

اهداف و مبانی تعلیم و تربیت اسلامی

غلامرضا ویسی

کارشناس ارشد مدیریت آموزشی

عضو هیئت علمی پژوهشکده تحقیقات اسلامی

چکیده

اهداف نظام تربیت اسلامی ریشه در جهان بینی الهی و ارزشهای والای اسلامی دارد و به سه دسته کلی هدفهای غایی، میانی و جزئی یا تفصیلی تقسیم می‌گردد که به ترتیب عبارتند از: مقام قرب الهی که در سایه انجام عبادات، دوری از رذایل اخلاقی و طی مراحل بندگی به دست می‌آید و اهداف میانی عبارتند از شناخت خدا، انسان، جامعه، تاریخ و طبیعت که مقدمه شناختهایی برتر و رفتارهایی خاص در انسان می‌گردد و اهداف تفصیلی نیز مربوط به جنبه‌های رفتاری انسان می‌شود و براساس شناخت‌های قبلی جلوه کند و در سلوک فردی و اجتماعی فرد متجلی می‌گردد و به طور کلی می‌توان آنها را در حیطه‌های اعتقادی، اخلاقی، فرهنگی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی، دفاعی و نظامی و اقتصادی دسته بندی کرد. در این مقاله به اختصار به آنها خواهیم پرداخت.

مقدمه

جامعه انسانی همواره در حال حرکت به سوی هدف خود است، و از هر فرد این جامعه درباره هدف انسانی سوال شود، کمال، سعادت و خوشبختی را نشانه می‌رود و از هر قوم، قبیله، نژاد، دین، مذهب و... تفاوتی پیش نمی‌آید و همه انسان‌ها به دنبال سعادت و خوشبختی‌اند؛ ولی هر کس تصویری از این امر در ذهن خود دارد که ممکن است با تصویری که دیگران در ذهن دارد دگرگون باشد.

از سوی دیگر زندگی انسان و حرکت به دنبال هدف هرگز بدون برنامه صورت نخواهد گرفت و انسان به ناچار برای نیل به هدف خود باید برنامه‌ای مدون پی ببرد. اینجا است که مکاتب مختلف برنامه‌هایی به فراخور شناخت خود از انسان برای نیل به هدف جامعه انسانی پیشنهاد میکنند. در این نوشتار بنا بر بیان و نقد آنها را نداریم؛ اما معتقدیم برنامه ما کامل تر است که از سوی آفریننده انسان به لحاظ تسلط و اشراف کامل به کلیه ابعاد وجودی بشر، تدوین شده است.

قرآن شریف کتابی است جهانی، کامل و همیشگی و مجموعه برنامه اسلام عبارت است از کتاب قرآن و سنت قول، فعل و تقریر پیامبر گرامی اسلامی (ص) و ائمه معصومین (ع) که می‌تواند راهنمای بشر در تمام اعصار و امصار و در زمینه‌های متفاوت زندگی باشد؛ چنان که می‌فرماید:

قال ربنا الذی اعطى کل شیء خلقه، ثم هدی.^۱

گفت: پروردگار ما همان کسی است که به هر موجودی آنچه را لازمه آفرینش او بوده داده، سپس هدایت کرده است.

و در جایی دیگر می‌فرماید:

الذی خلق فسوی و الذی قدر فهدی.^۲

همان خداوندی که آفرید و منظم کرد و همان که اندازه‌گیری کرد و هدایت کرد.

و در جایی دیگر می‌فرماید:

ان هذا القرآن یهدی للتی هی اقوم...^۳

این قرآن به راهی که استوارترین راهها است هدایت می‌کند.

و همچنین:

و نزلنا علیک الکتاب تبیاناً لکل شیء.^۴

و ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز است.

براساس آیات و روایات یاد شده و دیگر مستندات اسلامی اعتقاد راسخ ما این است که دین اسلام کامل‌ترین و جامع‌ترین برنامه زندگی برای جامعه بشری است و تنها به واسطه این برنامه ما به سر منزل کمال یعنی هدف نهایی انسان که همانا سعادت و خوشبختی و

جاودانگی است خواهیم رسید. به همین دلیل در این مقاله شمه‌ای از بحث اهداف تعلیم و تربیت اسلامی بر گرفته از منابع دینی ارائه خواهد شد.

اهداف تعلیم و تربیت

تعلیم و تربیت عملی است آگاهانه که از انسان صادر می‌شود و این عمل توسط افرادی از اجتماع نسبت به افرادی دیگر صورت می‌پذیرد. اگر چه تعلیم و تربیت در اسلام شامل همه عرصه‌ها و صحنه‌های زندگی می‌گردد، اما هرگاه به عنوان وظیفه بخشی از افراد اجتماع با عنوان مربی مطرح می‌شود، رتبه بالاتری از آگاهی را دارا است و مانند هر عمل ارادی و آگاهانه دیگری به دنبال غایت و هدفی شکل گرفته و اجرا می‌گردد. از این رو، قبل از پرداختن به اهداف تعلیم و تربیت اسلامی شایسته است تعریف اهمیت و مبانی اهداف را به اختصار مورد بررسی قرار دهیم. سپس اهداف تعلیم و تربیت اسلامی و انواع آن را مطرح سازیم.

تعریف

«هدف» از نظر لغوی عبارت است از نشانه، غرض^۵ و هر چیز بلند و برافراشته از بنا و ریگ توده و کوه و پشته مانند آن.^۶

صاحب نظران تعلیم و تربیت نظریات متفاوتی درباره هدف ارائه نموده‌اند که برخی از آنها عبارتند از:

الف. جان دیوئی^۷ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

جان دیوئی هدف را مرحله نهایی یک سلسله فعالیت مستمر می‌داند که دارای دو ویژگی توالی و پیش‌بینی باشد. بنابراین نظریه، فعالیت تربیتی هر فرد اولاً باید مرحله به مرحله باشد و ثانیاً تصویری از نهایت را دارا باشد. او عنصر «پیش‌بینی» را در تعریف هدف بسیار مهم می‌داند؛ زیرا معتقد است که پیش‌بینی سبب می‌شود نوع فعالیت مشخص گردد و در مسیر مناسبی جاری شود و نیز از انتخاب هدفهای ناروا جلوگیری می‌کند و وصول به هدف را تسریع می‌بخشد.^۸

ب. بنیامین بلوم^۹

«هدفهای تربیتی، بیان صریح روشها و طرقی است که با استفاده از آن در تعلیم و تربیت می‌توان انتظار داشت که رفتار شاگردان تغییر کند.»^{۱۰} در این تعریف هدف و روش به یک معنا گرفته شده است.

هدف بیان وضیعت مطلوبی است که باید در شاگرد به وجود آید»^{۱۲} این تعریف نیز به فرآورده و محصول تعلیم و تربیت توجه کرده است نه هدف آن.

برخی دیگر «هدف» را «نتیجه مطلوبی می‌دانند که رفتار انسان در آن جهت هدایت می‌شود»^{۱۳} با توجه به تعاریف لغوی و اصطلاحی که از دیدگاههای مختلف بیان شد، هدف را می‌توان از نقطه نظر تربیتی صرف نظر از مباحث اعتقادی، تاریخی، جامعه‌شناختی، ارزشهای فرهنگی و سیاسی چنین تعریف کرد: «هدف مقصد آرمانی است که سلسله فعالیت‌های انسان به آن ختم می‌گردد.»

حال ممکن است برای هر مرحله‌ای از فعالیت‌های انسان و مقاطع زمانی خاص مقصد و هدفی در نظر گرفته شود. به عنوان مثال، زمانی تغییر رفتار شاگرد یا ایجاد مهارتی خاص در او، به عنوان هدف و مقصد مورد توجه قرار گیرد و زمانی دیگر وضعیتی که شاگرد به طور کلی باید در پایان هر مقطع تحصیلی به آن برسد و زمانی دیگر طبق الگوی اعتقادی و ارزشهای فرهنگی نتیجه‌ای مطلوب و آرمانی که تمامی فعالیت‌های انسان در طول حیات پرفراز و نشیب خود باید به آن ختم گردد، به عنوان هدف در تعلیم و تربیت مورد توجه قرار می‌گیرد.

اهمیت اهداف

تا فرد نداند مقصدش کجا است، هرگز نمی‌تواند به گزینش بهترین راه رسیدن به آن بپردازد. برای انجام هر کاری قبل از هر چیز باید اهداف آن کار به طور دقیق مشخص باشد و عزیمت به سوی هر مقصد برای آنکه متضمن وصول بدان باشد، مستلزم طرح و نقشه است که ناگزیر باید با توجه به مبدأ حرکت ترسیم شود تا بتوان از وسایل، راهها و روشهای مناسب در جهت تحقق آن هدفها استفاده کرد.

از سوی دیگر ما می‌دانیم که هدف چیزی است که فعالیت به آن منتهی می‌شود و تعلیم و تربیت نیز یک فرآیند است که هدف، نتیجه آن را مشخص می‌کند و همچنین هدف انگیزه و قوه محرکه ارتکاب یا عدم ارتکاب اوامر و نواهی تربیتی را بیان می‌کند.

ما نیز برای اینکه تعلیم و تربیت انسانی را آغاز کنیم با توجه به ضرورت طرح و نقشه‌ای جامع و برای انتخاب بهترین روشهای تربیتی لازم است قبل از هر چیز هدف از تربیت او را مشخص سازیم و بدانیم چگونه انسانی را می‌خواهیم بپروریم و چه تغییراتی را می‌خواهیم

در او ایجاد کنیم تا با توجه به این هدفها، برنامه همه جانبه و هماهنگی بریزیم و با روش مناسب به اجرای آن پردازیم.

نقش اهداف

بنابر آنچه گذشت، هدفهای تعلیم و تربیت سه نقش عمده در فرآیند تعلیم و تربیت ایفا می‌کنند:

الف. جهت دهی به فرآیند تعلیم و تربیت: با تبیین و تعیین هدف، تصمیم‌گیریهای مهم تربیتی، خط مشی‌ها، تربیت مربیان، تهیه و تنظیم متون، برنامه‌های درسی، وسایل و ابزار مختلف آموزشی و کمک آموزشی و... مشخص می‌شوند و سمت و سو می‌گیرند.

ب. ایجاد انگیزه حرکت و فعالیت: هنگامی که هدفها بر مبنای صحیح و الگوی مناسب اعتقادی و فرهنگی تعیین شوند، همچون ارزشهایی می‌شوند که کلیه مربیان و متربیان برای نیل به آنها به کوشش و تکاپو می‌افتند.

ج. ملاک ارزیابی: از مهم‌ترین بخشهای فعالیتهای تربیتی، ارزیابی و سنجش تواناییها، استعدادها و پیشرفتهای افراد مورد آموزش و پرورش است. به طور قطع با نامعلوم بودن هدف، هیچ یک از این ارزیابی‌ها معنا نخواهد داشت. از این رو کلیه فعالیتهای تعلیم و تربیت را باید با توجه به اهداف مورد نظر، به عنوان ملاکها و معیارهای سنجش، مورد ارزیابی قرار داد و مقدار انحراف، موفقیت و عدم موفقیت آنها را معین نمود.

مبنای اهداف

پس از بیان اهمیت و نقش اهداف در فرآیند تعلیم و تربیت، باید به یک پرسش اساسی پاسخ داده، و آن اینکه مبنای منشأ اهداف تعلیم و تربیت چیست؟ به عبارت دیگر، اصل و

اساس تعیین هدف در تعلیم و تربیت بر چه مبنایی استوار است؟

در این باره نظرات مختلفی مطرح شده است که به اختصار به برخی از آنها اشاره

می‌بریم و سپس به بیان مبنای اهداف تعلیم و تربیت در اسلام می‌پردازیم.

برخی مبنای هدف تعلیم و تربیت را نگرشهای سیاسی - اجتماعی می‌دانند^{۱۴} و برخی

دیگر، فرد و جامعه را به عنوان منبع اساسی معرفی می‌کنند^{۱۵} و غده‌ای دیگر نیز مبنای هدف

تعلیم و تربیت را نیازهای فیزیولوژی و مادی انسان می‌دانند.

با توجه به نگرشهای مختلف می‌توان چنین نتیجه گرفت که هدفهای تعلیم و تربیت در هر جامعه براساس جهان‌بینی آن جامعه تعیین می‌گردد؛ زیرا تعلیم و تربیت هر جامعه از فرهنگ و باورهای اجتماعی نشئت می‌گیرد و تحت تأثیر ارزشها و قضاوت‌های سیاسی - اجتماعی قرار می‌گیرد. در نتیجه، این هدفها نمی‌تواند خارج از ارزشها، فلسفه و باورهای اجتماعی و نیازهای آن جامعه تعیین گردد.

مبانی اهداف تعلیم و تربیت در اسلام نیز ریشه در جهان بینی الهی و ارزشهای والای اسلامی دارد. آنچه به عنوان منبع اساسی هدف در تعلیم و تربیت اسلامی قرار می‌گیرد، نوع نگرش مسلمان واقعی به عالم هستی، انسان و محیط پیرامون او است که متأثر از «وحی» و کلام معصومین می‌باشد. این سرآغاز جدایی و امتیاز فرآیند تعلیم و تربیت اسلامی و تعلیم و تربیت در دیگر مکاتب دنیاست.

مکتبی که تمام عالم هستی را در همین جهان محسوس خلاصه می‌کند با مکتب امام صادق (ع) که آسمانها و زمین را در برابر کرسی همچون حلقه انگشتری در وسط بیابان، و کرسی را نیز در برابر عرش چون حلقه‌ای در میان بیابان می‌داند، در تعیین اهداف، اختلاف بسیار دارد و با آن قابل مقایسه نیستند؛^{۱۶} همچنان که امام خمینی (ره) تربیت یافته این مکتب بزرگ درباره جهان هستی چنین می‌فرماید:

دنیا یک جزء بسیار کمی از عالم، عالم یک مرکبی است از ماوراء این طبیعت، و این طبیعت در آخر مرتبه وجود واقع شده است.^{۱۷}

و درجای دیگر می‌فرماید:

تمام عوالم اجسام در مقابل عالم ما بعد الطبیعه هیچ قدر محسوس ندارد و در آنجا عوالمی است که در فکر بشر نمی‌گنجد.^{۱۸}

و انسان‌شناسی امام نیز این چنین است آنجا که می‌فرماید:

بدان که انسان تنها وجودی است که جامع همه مراتب عینی و مثالی وحی است و تمام عوالم غیب و شهادت و هر چه در آنها است در وجود انسان پیچیده و نهان است. چنانچه خدای تعالی می‌فرماید: «علم آدم الاسماء کلها».

و مولای متقیان بنا به تقلی می‌فرماید:

اتزعم انک جرم صغیر و فیک انطوری العالم الاکبر.^{۱۹}

جهانی در نهاد تو نهان است.

تو پنداری همین جرم صغیری

و امام خمینی (ره) در جای دیگر می‌فرماید:

انسان این هیكل موجود، این جثه موجود و این حواس موجود که احساس می‌کنیم نیست، به این معنا حیوان و انسان مثل هم هستند، همه مادی هستند، همه این نحو ادراکات را دارند یک قدری کم و زیاد. یک بعد انسان عبارت است از این موجود فعلی که دارای این حواس و دارای این خواص هست می‌باشد، بعدهای دیگرش اصلا به آن توجه نشده یا کم توجه شده است.^{۲۰}

و در یک جمله به طور خلاصه می‌فرماید:

در عالم هیچ موجودی به پایه انسان نمی‌رسد. انسان و ادراکاتش و قابلیتش برای تربیت، باید گفت غیر متناهی است.^{۲۱}

امام راحل (ره) و معصومین (ع) در این باره نکات مهم و متعددی را متذکر شده‌اند که در این نوشتار مجال بیان آنها را نداریم و امید داریم در آینده به تناسب از این بیانات و نکات ظریف و مهم بهره برداریم.

آنچه از این بحث می‌توان نتیجه گرفت، اولاً اینکه جهان بینی و نگرش انسان به عالم هستی و محیط پیرامون و شناخت انسان باید منبع اصلی تعیین هدف در فرآیند تعلیم و تربیت به حساب آید. ثانیاً هدف تعلیم و تربیت اسلامی از منابع غنی و پر بار و متصل به عالم غیب و بی نهایت الهام گرفته است که بدان اشاره گردید.

خصوصیات اهداف

مربیان و صاحب نظران تعلیم و تربیت درباره اهداف آموزش و پرورش خصوصیات را ذکر کرده‌اند که برخی از مهم‌ترین آنها به قرار زیر است:

الف. برانگیزاننده فعالیت: هدف خوب، هدفی است که فرد را به فعالیت و حرکت واداشته، از حالت خمودگی و رکود خارج سازد.

ب. موافقت با شرایط اوضاع و احوال تربیتی: برای نیل به هدف به ناچار هدف باید با اوضاع و احوال و شرایط شخص مورد تربیت همراه باشد و گرنه، وصول بدان غیر ممکن و در نهایت فرض آن هدف بی معنا می‌گردد.

ج. عینی و قابل تصور و تحقیق بودن: هدف در حد امکان باید عینی و قابل تصور و تحقق و فهم باشد. هدفهای بسیار کلی و انتزاعی علاوه بر اینکه برای متربی قابل درک و فهم نمی‌باشند، دسترسی به آنها نیز غیر ممکن است.

د. قابلیت انعطاف اهداف میانی و یا جزئی تعلیم و تربیت: این اهداف باید انعطاف پذیر باشند و با تغییر شرایط فراگیر و یا تربیت به توان آنها را نیز تغییر و تطبیق داد، تا بدین وسیله تحقق آنها امکان پذیر گردد.

ه. همخوانی و توافق: در تعیین اهداف میانی و جزئی نیز همخوانی و توافق و عدم تضاد و تعارض اهداف با هم، حتما باید مورد توجه قرار گیرد، و گرنه جز سردرگمی و حیرت و عدم نیل به اهداف چیزی عاید مریب نخواهد شد.

انواع هدف

هدفهای تربیتی در اسلام همه یکسان و در یک رتبه نیستند و دارای مراتب مختلفی هستند که در میان آنها برخی در اوج قله و انتهای سیر تربیت انسان قرار دارند و برخی منازل و استراحتگاههای میان راه و برخی دیگر همچون ابزار و مقدمات سفرند که در ابتدای مسیر باید به آنها پرداخت. از این رو هر یک از آنها مرحله‌ای از مراحل یا نوعی از هدفها را تشکیل می‌دهند.

در این باره با توجه به تمامی ابعاد وجودی انسان که به طور جامع در مکتب حیات بخش اسلام مورد توجه قرار گرفته است، هدفهای تعلیم و تربیت اسلامی را می‌توان به سه دسته کلی تقسیم کرد:

الف. هدف غایی و نهایی؛

ب. هدفهای میانی؛

ج. هدفهای جزئی و تفصیلی.

هدف غایی

هدف غایی همچون ریسمانی است که دانه‌های ریز و درشت اهداف تربیتی اسلام را با نظمی منطقی به هم پیوند داده، خود در جایگاه شاه مهره این مجموعه قرار می‌گیرد. اهداف تربیتی اسلام تنها در سایه تعیین هدف غایی معنای مرتبط و معقولی می‌یابند.

چرا باید انسان در زندگی خویش تسلیم بایدها و نبایدهایی گردد؟ چرا باید خود را به سختی انداخته، از برخی لذایذ دنیوی خود را محروم کند؟ چرا باید به دیگران کمک کند، فداکاری کند، از کشور و ناموس خود با جان و مال دفاع کند و...؟

پاسخ به این سئوالات بر می‌گردد به اینکه انسان هدف از خلقت خود و جهان هستی را چه بداند و بهترین پاسخ برای این پرسشها و مشابه آنها را می‌توان در مکتب تربیتی اسلام یافت. به طور قطع می‌توان ادعا کرد که مکاتبی که وظیفه خود را تنها استفاده از لذایذ دنیوی و مادی بدون هیچ گونه مانع و رادعی می‌دانند هرگز قادر نخواهند بود توجیه معقولی برای این‌گونه اعمال انسان داشته باشند.

در این جا صرف نظر از مباحث تفصیلی، در پاسخ به سئوالات یاد شده، با استفاده از منابع اسلامی شایسته است بگوییم: آنچه در تعلیم و تربیت اسلامی به عنوان والاترین و آخرین حد کمال و رشد مورد توجه قرار می‌گیرد، نیل به مقام قرب پروردگار و فلاح انسان می‌باشد. چنانکه از آیه «انا لله و انا الیه راجعون» و نیز روایت قدسی «لا یزال العبد یتقرب الیه بالثوابل»^{۲۲} بندگان خدا دائماً به وسیله نوافل به سوی او بالا می‌روند و دیگر منابع قرآنی و روایی استفاده می‌گردد. بدین رو در نظام تربیتی اسلام کلیه فعالیت‌های انسان باید در جهت حرکت آدمی در صراط مستقیم و بندگی پروردگار و رستگاری انسان باشد. قرآن می‌فرماید:

و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون.^{۲۳}

من جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند.

و ان اعبدونى هذا صراطٌ مستقیم.^{۲۴}

و اینکه مرا بپرستید که راه مستقیم این است.

قولوا لا اله الا الله تفلحوا.^{۲۵}

آیات فوق و دیگر آیات قرآن همه بدین معنا اشاره دارند که سلسله فعالیت‌های انسان باید زمینه ساز پرستش و بندگی خدا و رستگاری انسان باشند و معراج وی را به مرحله کمال انسانی آسان کنند و راه بازگشت به احسن تقویمی را که بنیاد آفرینش او بر آن استوار است.^{۲۶} هموار سازند و او به یاری عمل صالح از مراحل و مدارج علم و ایمان بگذرد و هر لحظه بیش‌تر به خدا نزدیک شود که در غایت و اوج قله این سیر و سلوک قرار دارد. برای

نیل به این هدف، انسان باید چنان ساخته شود که با دوری از رذایل و آلودگیها، استعدادهای عالی روحی و ملکوتی‌اش شکوفا گردند و لیاقت قدم نهادن در آستان قرب و قدس پروردگار را بیابد و با وصال به حق، به سعادت جاویدان رسد.

بنابراین، در اسلام، هدف اصیل و غایی تعلیم و تربیت انسان، قرب به خداست که هدفی بی نهایت است و آدمی در سایه اعمال عبادی و دوری از رذایل اخلاقی گام به گام این مرحله را طی می‌کند.

اهداف میانی (کلی و زمینه ساز) ۲۷

اهداف کلی اهدافی هستند که دارای تأثیرات فراگیری در همه شئون زندگی انسان اند و به همه انسانها و در تمامی شرایط مربوط اند. زمینه ساز بودن این اهداف نیز به دلیل وصول به هدف غایی تعلیم و تربیت اسلامی و پدید آمدن رفتارهایی است که مطابق با الگوی وحی‌اند. هر کس بخواهد به غایت خلقت خویش دست یابد، ناگزیر باید خود و خدای خود را بشناسد و راه رسیدن به مقام بندگی را دریابد.

در اینجاست که اهمیت نقش مربی روشن می‌گردد. مربی رکن اساسی و انتقال آگاهیها و پرورش استعدادهای انسانی برای نیل به کمالات معنوی است.

در واقع می‌توان گفت، تربیت باید به سمت این رو کند که شناختی واقعی از خود و خدا را به او بدهد و وی را به این درجه از آگاهی برساند که بداند راه بندگی و قرب پروردگار عالم از دنیا می‌گذرد و آن هم دارای اجزایی است با روابط ویژه. در این رابطه، مربی وظیفه دارد این اجزاء و روابط ویژه میان آنها (طبیعت و انسانهای اطراف ما) را به متری شناسانده، او را در رسیدن به قرب پروردگار که همان هدف غایی خلقت است یاری کند.

بنابراین، نقش این آگاهیها (شناخت خدا، انسان، جامعه و طبیعت) چون نقش پله‌های نردبانی است که برای بالا رفتن به کار می‌رود. در حقیقت، نسبت این آگاهیها با هدف غایی، نسبت مقدمه با ذی المقدمه است. به همین دلیل، این آگاهیها را در تعلیم و تربیت اسلامی به عنوان اهداف کلی و زمینه ساز می‌شناسیم و به اختصار پیرامون هر یک توضیحاتی ارائه می‌کنیم.

شناخت خدا

شناخت و ایمان به خداوند نقطه آغاز ایمان مذهبی است. در حقیقت تمامی آثار اعتقادی مذهبی، نتیجه ایمان به خداوند عالم است و چون بعثت انبیا(ع) از سوی خداوند متعال برای

تربیت انسان است، می‌توان نتیجه گرفت که تمامی آثار مذهب در حقیقت نوعی اثر تربیتی است و به دست آمدن این آثار بدون شناخت خداوند متعال و اعتقاد به آن وجود مقدس ممکن نیست. این شناخت آثاری را در پی دارد که به برخی از آن اشاره می‌کنیم:

الف. نشاط و اطمینان درونی

شناخت خدا و اعتقاد به آفریدگار قادر، علیم، غفور، جبار... از انسان موجودی مسئول می‌سازد، که در عین رعایت حدود مقررات شرع هرگز یأس و افسردگی بر او عارض نمی‌شود و حرکت هدفدار خود را به سوی مقصدی حکیمانه و متعالی ادامه می‌دهد. چنین انسانی، با ایمان به انبیای الهی و معاد، به راهی که می‌پوید اطمینان قلبی دارد و از تزلزل و اضطراب مصون است و در انجام وظایف فردی و اجتماعی خود بدون نیاز به پلیس یا ناظر، با نشاط کافی تلاش می‌کند. در نظر انسان مؤمن، مصیبتها و دشواریهای زندگی، اموری رشد دهنده و وسیله‌ای برای تقرب به تکامل اویند و در نتیجه، هرگز شکستهای ظاهری موجب یأس و دلزدگی او نمی‌شود؛ زیرا همه حیات خویش را از خدا می‌داند و اراده خویش را تنها در راه رضای خداوند به کار می‌گیرد.

ب. درک لذایذ معنوی

از برجسته‌ترین آثار شناخت و ایمان به خدا پدید آمدن نوعی احساس معنوی در انسان است به طوری که به درک لذایذی برتر از لذت‌های مادی قادر است. این لذتها آثاری اجتماعی و مادی نیز از خود به جای می‌گذارند. چنان که از آثار مزبور پیداست، شناخت خداوند و اوصاف او علاوه بر آنکه در واقع شناخت معبود است، پدید آورنده انگیزه‌ها، رفتارها و روحیاتی خاص در انسان خداشناس است و این آثار به گروهی خاصی از انسانها اختصاص ندارد؛ بلکه هر انسان مؤمنی امکان بندگی را می‌یابد و در رفتار و پندار خویش آثار مثبت آن را مشاهده می‌کند.

شناخت انسان

دومین هدف کلی تعلیم و تربیت اسلامی، شناخت انسان است که به دلایل متعددی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در نظام آموزش و پرورش اسلامی، سعی بر این است که «یادگیرنده» خود را بشناسد، از مبدا و مقصد خویش آگاهی یابد، خیر را از شر و سره را از ناسره و راه را از چاه باز شناسد، منافع و زیان خود را تشخیص دهد، دوستان و دشمنان خود را شناسایی

کند و... تا به سعادت و بهروزی دو سرا نایل آید. به جاست که در این فرصت، دیدگاه اسلام را درباره انسان به طور فشرده بیان کنیم.

انسان از دیدگاه اسلام

از نظر قرآن، انسان موجودی است برگزیده خداوند، خلیفه و جانشین او در زمین، نیمه ملکوتی و نیمه مادی، دارای فطرت خدا آشنا، آزاد، مستقل، امانت دار خدا و مسئول خویشتن و جهان، مسلط بر طبیعت و زمین و آسمان، ملهم به خیر و شر. وجودش از ضعف و ناتوانی آغاز می شود و به سوی قوت و کمال سیر می کند و بالا می رود؛ اما جز در بارگاه الهی و با یاد او آرام نمی گیرد. ظرفیت علمی و عملی اش نامحدود است. از شرافت و کرامتی ذاتی برخوردار است و انگیزه هایش هیچ گونه رنگ مادی و طبیعی ندارد. حق بهره گیری مشروع از نعمتهای خدا به او داده شده است، ولی در برابر خدای خودش وظیفه دار است. آگاهی انسان از خویشتن خویش و اینکه:

- گل سرسبد آفرینش است؛

- در صورت گام نهادن د مسیر صحیح بندگی خدا، همچنان تاج افتخار و کرامت بر سر خواهد داشت؛

- در سرای جاوید نیز از نعمتهای الهی در بهشت برین، سود خواهد برد؛

- اگر مسیر انحرافی در پیش گیرد، سر از دوزخ در خواهد آورد و... به او می آموزد که:

- با عشق و علاقه به پرستش معبود واقعی و نزدیکی به او پردازد؛

- از ستمگری و ستم پذیری بپرهیزد؛

- به شریعت الهی گردن نهد و تقوا پیشه کند؛

- دنیا را به دیده تحقیر بنگرد؛

- به بینش و گرایش صحیح روی آورد؛

در نتیجه، خود را برای رسیدن به هدف غایی آماده سازد.

جهت گیری تربیتی قرآن

با نگاهی دقیق به آیات تربیتی - اخلاقی قرآن، به خوبی در می یابیم که این کتاب انسان ساز در پی آن است که با قرار دادن اهداف کلی و زمینه ساز در چشم انداز انسان، او را به تدریج

به هدف غایی نزدیک سازد. از این رو در آیات فراوانی، استعدادهایی بالقوه و بالفعل او را یادآوری کرده، به او رهنمود می‌دهد که از چنین استعدادهایی بیش‌ترین بهره را برای بهبود موقعیت خویش ببرد. به طور مثال می‌فرماید:

و سخر لکم ما فی السموات و ما فی الارض جمیعاً.^{۲۸}

خداند همه آنچه را در زمین و آسمانهاست، مسخر شما کرد.

و در جایی دیگر انسان را حریص و سیر ناشدنی معرفی کرده، می‌فرماید:

ان الانسان خلق هلوماً.^{۲۹}

همانا انسان، حریص آفریده شده است.

بر این اساس، سرشت انسان، او را به پویایی جاوید فرا می‌خواند و از ایستایی - در هر مقطعی - باز می‌دارد.

حضرت امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید:

اگر همه دنیا را به کسی بدهند، کافی نیست می‌گویند: باید برویم جای دیگر، این فطرت انسان است. فطرت خداخواهی است، این یکی از فطرت‌های است که هر کسی، هر چه بیابد آن گمشده خودش را نیافته... آنکه دنبال قدرت می‌رود، قدرت مطلق می‌خواهد، قدرت مطلق خداست، آنکه دنبال علم می‌رود، علم مطلق می‌خواهد، علم مطلق، علم خداست. هر که دنبال هر کمالی برود یا هر چیزی برود، او کمال مطلقش را می‌خواهد.^{۳۰}

شناخت جامعه و تاریخ

شناسایی و پیوند با جامعه و گذشته و آینده آن، هدف زمینه ساز دیگری است که در راه انسان به سوی هدف غایی وجود دارد. چنین شناختی بدان سبب دارای اهمیت است که در عقاید، روحیات، رفتار، سعادت، بدبختی و سرنوشت انسان تأثیر بسزا دارد؛ بدین معنا که زندگی در جمع، خواه ناخواه ارتباطی را پدید می‌آورد که به نوبه خود امور با اهمیتی را به وجود می‌آورد و به افراد جامعه نیز منصوب است و شناسایی آنها ضرورت دارد.

از سوی دیگر، زندگی اجتماعی، قوانین و مقررات خاص خود را می‌طلبد که باز، انسان را ناچار می‌کند که آنها را بشناسد و بدان احترام بگذارد و به کار بندد تا بستر ره‌پویی به

سوی اهداف خویش را هموار سازد؛ چنان که به کار بستن تجربیات گذشتگان و دلسوزی برای آیندگان نیز او را به دو سوی زندگی یعنی گذشته و آینده جهان نیز مربوط می‌سازد. قرآن مجید با طرح محورهای یاد شده، پیروان خویش را به تفکر و کاوش در آنها فرا می‌خواند تا نخست، روابط خود را با اجتماع کنونی، رفتگان و آیندگان، بهبود بخشند و آنگاه با فکری آسوده و دلی مطمئن به سوی هدف غایی حرکت کنند.

نتیجه چنین برداشتی آن می‌شود که نقل تاریخ گذشتگان در جای جای قرآن، داستان سرایی و ایجاد سرگرمی برای خوانندگان تلقی نمی‌شود؛ بلکه اهداف ظریف و مهم تربیتی را دنبال می‌کند تا پیروان خویش را از کشاکش زندگی روزمره و لابه لای تاریخ به مقصود نهایی رهنمود سازد. از این رو، یادآور می‌شود:

قد خلت من قبلکم سنن فسیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبة المکذبین.^{۳۱}
پیش از شما امتها و سنتهایی بوده‌اند. پس در زمین سیر کنید و بنگرید که فرجام تکذیب کنندگان (پیامبران) چه بوده است.

سپس برای نتیجه‌گیری دستور می‌فرماید:

هذا بیان للناس و هدی و موعظة للمتقین.^{۳۲}

این برای مردم هدایتی است و برای پرهیزگاران اندرزی.

از سوی دیگر، مؤمنان را به وادی اندیشه درباره آینده جهان می‌کشاند تا دچار خمودی و رکود نگردند و به پویایی و تحرک ادامه دهند. به آنان گوشزد می‌کند که تغییر و تحول وضعیت کنونی و سعادت و بدبختی آنان در حال و آینده بستگی به شیوه عملکرد آنها دارد.

ان الله لا ینصرون الا ما ینفسون.^{۳۳}

خداوند، حالت ملتی را دگرگون نمی‌کند مگر خود چنین کند.

و همراه آن نوید می‌دهد که آینده از آن شایستگی است که رفتار خویش را - با خدا و

مردم - بهینه ساخته‌اند:

ولقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون.^{۳۴}

ما پس از ذکر [تورات] در زیور نوشتیم که زمین را بندگان شایسته‌ام به ارث می‌برند.

شناخت طبیعت

چهارمین هدف کلی و زمینه ساز در تعلیم و تربیت اسلامی، شناخت طبیعت است. طبیعت با همه پیچیدگیها و ظرافتهایی که دارد، آفریده‌ای از آفریدگار جهان است و مظهر ذات حق است. این طبیعت شگفت‌انگیز، که تمامی ذراتش بر اساس حکمت آفریده شده‌اند، چون آینه‌ای است که با نگاه به آن جلوه‌ای از بزرگی خداوند در دیدگان می‌آید و عظمت علم و قدرت او هر بیننده‌ای را خیره می‌سازد. هر ورقی از طبیعت دفتری از معرفت کردگار است. پس خدای مهربان بندگان را به مطالعه کتاب طبیعت می‌خواند تا با نظر به سطرهای این کتاب بزرگ او را بهتر بشناسد و ایمان را در جان خود جای دهند و به یاد خدای بزرگ آرام گیرند.

در قرآن کریم آیات بسیاری به بیان جلوه‌های گوناگون طبیعت پرداخته و نکته‌های حکمت‌آمیز آن را تعلیم داده‌اند. قرآن کتاب زیست‌شناسی یا زمین‌شناسی و ستاره‌شناسی نیست و آیاتی که پیرامون این موضوعات سخن می‌گویند، به عنوان ارائه یک نظر طبیعت‌شناسانه نیست؛ بلکه مقصود این است که با استفاده از معرفی طبیعت، مقصد اصلی قرآن، که انسان سازی است، پی گرفته شود.

در تعلیم و تربیت اسلامی تلاش می‌شود که انسان از تواناییهای خویش در ادراک محسوسات برای دستیابی به ادراکاتی بالاتر از ادراکات حسی بهره‌گیرد. انسان تربیت شده مکتب اسلام به ماورای طبیعت ایمان دارد و حقایق غیر مادی را درک می‌کند. راه رسیدن به چنین ایمانی، بهره‌جستن از حواس همراه با نیروی تفکر است؛ یعنی انسان آنچه را در حواس ظاهری و مادی او نقش می‌بندد، به دستگاه تعقل سپرده، به وسیله آن از ظاهر عالم به مغز آن راه یابد. قرآن کریم ضمن دعوت به تدبیر و تعقل، موضوعات شایسته تدبیر را نیز معرفی می‌کند؛ موضوعاتی چون خلقت زمین و آسمان، شب و روز، باران، بادها، ابرها، حیوانات و ستاره. قرآن به طور کلی سه موضوع را برای تعقل و تدبیر مناسب می‌شناسد. این سه موضوع عبارتند از: طبیعت، تاریخ و ضمیر انسان. اکنون موضوع سخن ما طبیعت است. دعوت قرآن به مطالعه و شناخت طبیعت، تنها برای تأمین هدایت بشر است. از این رو، هر جا، پیرامون آفرینش، سخن گفته، برای توجه دادن به عظمت آفریدگار جهان است و گاهی نیز به منظور نمایاندن حکمت الهی و گاهی نیز مقصود برانگیخته شدن انسان به شکر پروردگار و...

آیاتی که به شناساندن طبیعت می‌پردازند، هر کدام به منظوری خاص نازل شده‌اند تا انسان را با معارفی که موجب رستگاری او می‌شود، آشنا سازند. برای نمونه: آیات متعددی از قرآن حادثه زنده شدن طبیعت در فصل بهار را یادآوری کرده‌اند؛ هیچ یک از آنها برای این نازل نشده که چگونگی احیای طبیعت بعد از زمستان سرد را به ما نشان دهد؛ بلکه برای راهنمایی انسان به سوی معرفت خداوند یکتا نزول یافته‌اند و در حقیقت، توحید را تعلیم می‌دهند.

دسته دیگر از آیات می‌خواهند ناباوری انسان به قیامت و زنده شدن دوباره موجودات هنگام رستاخیز را درمان کنند و ایمان به معاد را در دلها استحکام بخشند. آیاتی نیز با ذکر حادثه بهار و زنده شدن طبیعت به هر دو موضوع - توحید و معاد - می‌پردازند و بر این دو عقیده مهم تأکید می‌کنند و مستدل می‌سازند.

پس، شناخت طبیعت در نظر قرآن، گذرگاهی برای شناخت خدا و قوانین عالم است و انسان از این گذر به هدایت واقعی دست می‌یابد. در تعلیم و تربیت اسلامی این شناخت را به عنوان یکی از اهداف کلی می‌شناسیم و از آن رو که مقدمه شناخت‌هایی برتر و رفتارهایی خاص چون شکرگزاری است، آن را هدفی «کلی و زمینه ساز» می‌شماریم.

هدفهای جزئی و تفصیلی

آگاهیه، شناختها و نوع نگرش انسان به خویشتن، جامعه و تاریخ، طبیعت و اعتقادش به آفریدگار متعال، در تنظیم و جهت دادن رفتار فردی و اجتماعی او بسیار مؤثر است. کسانی که به این امور از زاویه اسلام می‌نگرند، در رفتار خود تولد اخلاقی خاص را شاهد خواهند بود و دیگران که نگاهی غیر اسلامی و مادی دارند، باید اخلاق دیگری را در خود بجویند.

در تعلیم و تربیت اسلامی، مباحث اخلاقی به منزله نتایج حاصل از شناخت‌های کلی مورد توجه قرار گرفته و برای هموار سازی راه تکامل به انسان عرضه می‌شوند تا انسان الگوی سازندگی خویش را به روشنی دریابد. اخلاق پسندیده‌ای چون راستگویی، امانتداری، احسان، انفاق، ایثار، برادری و صدها خصلت دیگر، در قرآن و روایات اسلامی به عنوان اهداف تفصیلی بیان شده‌اند که ما در این بخش هدفهای تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی (علی شریعتمداری، ۱۳۸۱) را به عنوان اهداف جزئی مطرح می‌سازیم.

اهداف تفصیلی

این اهداف را می‌توان در دسته‌های مختلف: اعتقادی، اخلاقی، فرهنگی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی، دفاعی و نظامی و اقتصادی به شرح زیر دسته بندی کرد:

الف. هدفهای اعتقادی

- پرسش خدا و استعانت از او؛
- یاد خدا و خوف و خشیت از او؛
- انس، محبت به خدا و خشوع در برابر او؛
- شکر گزاری در پیشگاه او؛
- اطاعت از خدا و اشتیاق لقای او؛
- هماهنگی با سنن آفرینش؛
- ایمان به غیب؛
- ایمان و احترام به پیامبران الهی و اطاعت از پیامبر اسلام و امامان معصوم و مقام ولایت فقیه و محبت به آنان؛
- ایمان به روز حساب و یاد جهان آخرت؛
- و....

ب. هدفهای اخلاقی

- خودشناسی؛
- شناخت بعد الهی و کرامت انسان؛
- توجه به خویش جهت تزکیه و رشد معنوی و الهی؛
- کسب فضایل و مکارم اخلاقی در سایه ایمان به خدا و جهان آخرت (به ویژه امانت، صداقت، وفاداری، درستکاری)؛
- پیراستن روان از رذایل و عادات مذموم؛
- ایجاد روحیه مراقبت از رفتار خود و ضبط نفس و حسابرسی خویش؛
- آفریدن روحیه نظم و انضباط؛
- ایجاد روحیه صبر و مقاومت در برابر شداید و مشکلات و تلاش برای رفع آنها؛
- پرورش احساس تمهد و مسئولیت در برابر خدا و خلق خدا؛

- پرورش عواطف به گونه‌ای که تنها برای خدا دوست بدارد؛
- پاکیزگی و نظافت؛
- رعایت اصول بهداشتی جسم و روان؛
- پرورش افراد برای بهره‌مندی بیش‌تر از طیبات الهی به منظور تأمین سلامت و نشاط و نیرومندی.

ج. هدفهای فرهنگی

- شناخت و پذیرش فرهنگ اسلامی و تلاش برای حفظ و نشر و گسترش آن؛
- تأکید بر آشنایی با زبان و معارف قرآن و دیگر ذخایر گرانبهای اسلامی؛
- پرورش نیروی اندیشه و تفکر؛
- کسب و اشاعه علم و تربیت روح علمی؛
- پرورش ذوق هنری و شکوفا کردن و تلطیف حس زیباشناسی برای درک زیباییهای جهان آفرینش و التذاذ از مواهب الهی؛
- بهره‌مندی از آداب و رسوم و سنن تا آنجا که با فطرت الهی انسان هماهنگ است؛
- حفظ و گسترش میراث‌های ارزشمند ادبی؛
- حفظ آثار و موارث فرهنگی و تاریخی و بهره‌مندی از آنها در جهت عبرت‌آموزی؛
- و...

د. هدفهای خانوادگی

- توجه به ضرورت تشکیل خانواده و قداست آن؛
- تأکید بر ایفای نقش زوجین در تکمیل و تعالی یکدیگر؛
- توجه به استواری و پیوستگی روابط زوجین براساس مودت و رحمت؛
- تأکید بر سرپرستی و پاسداری شوهر از حدود و حقوق همسر و فرزندان؛
- تأکید بر تولید نسل و تربیت صحیح فرزندان در کانون خانواده؛
- توجه به نقش ارزشمند تربیتی والدین به ویژه مادر در پرورش فرزندان مؤمن، متعهد و مسئول؛
- توجه به نقش و مسئولیت خانواده در حفظ و گسترش میراث فرهنگی اسلام، به خصوص عقاید و آداب اسلامی؛
- ایجاد زمینه مساعد برای پرورش صحیح فرزندان برای رشد و شکوفایی استعدادهای آنان؛
- ابراز محبت به همه فرزندان به ویژه دختران؛

- تأکید بر معاشرت نیکو و انجام وظایف متقابل و همفکری و هماهنگی اعضای خانواده با یکدیگر؛

- تقویت روحیه همکاری و مشارکت میان اعضا در انجام امور و کارهای خانه؛

- احترام و رعایت حقوق همه اعضا خانواده به ویژه مادر؛

- تأکید بر حق ویژه مادر در رضاع و حضانت فرزندان؛

- پرورش روحیه اطاعت و ادب و احترام و احسان در فرزندان نسبت به پدر و مادر در

جهت رضای خدا؛

- توجه به اصل احترام بزرگ‌ترها و رأفت و مهربانی به کوچک‌ترها در بین فرزندان؛

- تأکید بر علائق خانوادگی و خویشاوندی و برقراری ارتباط هر چه بیش‌تر و

صمیمانه‌تر بین اقوام و خویشان برای رضای پروردگار متعال؛

ه. هدفهای اجتماعی

- رعایت حقوق همه انسانها و مراعات انصاف در برخورد با آنان؛

- ایجاد روابط مهرآمیز و همراه با گذشت، فداکاری و ایثار با دیگر مؤمنان و مسلمانان؛

- تکریم مؤمنین به ویژه دانشمندان، علما و فقهای اسلام؛

- تقویت روحیه خدمت و اهتمام به امور مسلمانها؛

- تقویت روحیه تعاون در کارهای خیر و تقوا و تکامل اجتماعی؛

- ایجاد روحیه تفاهم و برادری میان مؤمنان و مسلمانان و تحکیم روحیه مساوات خواهی؛

- تقویت سعه صدر در معاشرت و ایجاد روحیه همفکری و شور و تبادل نظر؛

- پرورش روحیه عدالت‌خواهی و داوری به حق و پذیرش آن، هر چند به زیان شخص

و بستگانش باشد؛

- تقویت احساس تعهد، نسبت به هدایت و رشد و آگاهی دیگران؛

- ایجاد روحیه ستیز در برخورد با ستمکاران در حد عدل اسلامی و بازگرداندن ظالم از

ستمگری و حمایت از مظلوم و بازداشتن او از ستم کشی؛

- تلاش برای اصلاح ذات‌البین و رفع اختلاف بین مسلمانها و رفع تجاوز و تعدی و

تقیح تجاوز و متجاوز؛

- ایجاد روحیه دعوت به خیر و توصیه به حق و توصیه به صبر؛

- شناخت معروف و منکر و پذیرش مسئولیت «امر به معروف و نهی از منکر»؛

- تعظیم شعائر اسلامی و تحکیم موقعیت مساجد و جماعات و مراکز عبادی و دینی؛
- ایجاد عادت به نظم و انضباط در همه مناسبات فردی و اجتماعی.

و. هدفهای سیاسی

- ایجاد شناخت و قدرت تجزیه و تحلیل مسائل سیاسی و تمیز جریانهای سازنده و حق
از جریانهای باطل، برای جلوگیری از استضعاف و مبارزه با استکبار؛

- پذیرش اصل رهبری الهی (ولایت فقیه) و پرورش افراد برای تابعیت و مطبوعیت؛

- ایجاد زمینه‌های مناسب، برای درک احترام و رعایت قوانین جمهوری اسلامی؛

- توجه به اصل پیوستگی کامل دین و سیاست و ترغیب به حضور مستمر در نمازهای
جمعه و جماعت برای بالا بردن سطح آگاهیهای اعتقادی، اجتماعی و سیاسی و مشارکت
فعال در تعاون اجتماعی؛

- پرورش افراد به گونه‌ای که در مقابل سرنوشت اجتماعی و سیاسی خویش و جامعه
احساس کمال مسئولیت نمایند و پیوسته در صحنه حاضر باشند؛

- پرورش روحیه تشکیلاتی و سازماندهی در فعالیتهای سیاسی و اجتماعی؛

- تقویت روحیه تفاهم و ائتلاف و وحدت در مسیر حل مسائل سیاسی و مشکلات
اجتماعی براساس موازین شرعی و رهنمودهای مقام رهبری؛

- حفظ روحیه انقلابی در میان امت و ترغیب افراد به سعی هر چه بیش‌تر برای تداوم

انقلاب اسلامی؛

- تقویت روحیه انتظار و آمادگی دائم برای ظهور حضرت مهدی (عج) و پیروزی نهایی
حق بر باطل؛

- پرورش روحیه استقلال‌طلبی از طریق اتکال به قدرت الهی و عدم اتکا به غیر در

زندگی فردی، اجتماعی و سیاسی؛

- بهره‌مندی از آزادیهای سیاسی بر مبنای قوانین جمهوری اسلامی؛

- و....

ز. هدفهای دفاعی و نظامی

- توجه به مستمر به رشد، سلامت، ورزشدگی و نیرومندی بدن و آمادگی و توانایی

جسمانی کافی برای جهاد فی سبیل الله؛

- تقویت روحیه شجاعت و فداکاری و ایثار و شهادت‌طلبی برای اعتلای کلمه الله و

استقرار نظام حکومت اسلامی و درک ثواب و رضای پروردگار؛

- ایجاد آمادگی و توانایی رزمی در همه افراد برای حفظ و دفاع از کیان اسلام و سرزمین

اسلامی ایران؛

- تهیه نیرو و تجهیزات لازم و به نمایش گذاشتن قدرت رزمی جهت ارعاب دشمن.

ح. هدفهای اقتصادی

- تربیت افراد به گونه‌ای که به «مالکیت مطلق پروردگار متعال بر جهان و هر چه در

جهان است» ایمان داشته باشد و خود را امانتدار نعمتهای او بداند و با کار مفید و مشروع، از

این نعمتها برخوردار شوند؛

- پرورش روحیه احترام به کار و کوشش در جهت عمران و آبادی زمین و استخراج

معادن و حفظ و گسترش منابع به عنوان یک عبادت و یک وظیفه اجتماعی؛

- توجه به ابعاد مختلف نظام اقتصادی اسلام براساس انواع مالکیتها (شخصی، دولتی و عمومی)؛

- ایجاد علاقه به کار و تلاش و ابتکار برای تولید هر چه بیش‌تر و تأمین نیازمندیهای

امت اسلامی و رسیدن به استقلال اقتصادی؛

- تقویت روحیه جمعی و تعاون و همکاری برای پرداختن به کارهای مفید و تولیدی؛

- تربیت افراد به گونه‌ای که با استفاده از استعدادها و نیروها و امکانات خود به بندگان

خدا سود رسانند و خدمت کنند و از بطالت و تبلی و بیکارگی بپرهیزند؛

- پرورش افراد به گونه‌ای که از همان آغاز، متناسب با توانیها در سرنوشت اقتصادی

خود و جامعه مشارکت مؤثر داشته باشند؛

- پرورش روحیه قناعت در مصرف و عادت به صرفه جویی و نفی اسراف و تبذیر و زیاده‌روی؛

- پرورش روحیه عدالت خواهی و نفی هرگونه تعدی و تجاوز و بهره‌کشی ظالمانه و

مراعات کامل قسط در روابط اقتصادی؛

- پرورش روحیه انفاق و ایثار و ترغیب افراد به پرداخت خمس و زکات و مالیات و

شرکت در کارهای خیر و وقف اموال در جهت مصالح مسلمین و امور خیریه؛

- پرورش افراد جهت آشنایی و کسب مهارتهای لازم در زمینه حرف و فنون و مشاغل و

تربیت آنان برای استقلال اقتصادی و پرهیز از اتکال غیر مشروع به دیگران؛

- پرورش افراد برای پرهیز از تکاثر و گنج اندوزی و ربا خواری و مبارزه با این قبیل

انحرافات؛

- و....

نتیجه

در مقاله حاضر با استناد به برخی آیات قرآن جامعیت و کامل بودن برنامه دینی برای زندگی بشر و نیل به هدف نهایی انسان در نظام تعلیم و تربیت یعنی سعادت و خوشبختی جاودانه ارائه گردید.

در ادامه با بیان تعاریف، اهمیت و نقش اهداف و مبانی اهداف از دیدگاههای مختلف طرح شد و انواع هدف نیز در سه دسته هدف غایی و هدفهای میانی و تفصیلی تقسیم بندی گردید. سپس درباره هدف غایی و هدفهای میانی با استفاده از آیات و روایات اسلامی توضیحات مختصری ارائه گردید و اهداف تفصیلی به اختصار و فهرست وار آورده شد.

پی نوشتها:

۱. طه (۲۰)، آیه ۵۰.
۲. اعلی (۸۷)، آیات ۲ و ۳.
۳. اسراء (۱۷)، آیه ۹.
۴. نمل (۱۶)، آیه ۸۹.
۵. فرهنگ عمید.
۶. منتهی الارب.
7. Johon dewey
۸. حسن شعبانی، مهارتهای آموزشی و پرورشی، انتشارات سمت، چاپ سوم، ص ۱۵۸، با اندکی تصرف.
9. benjamins bloom.
۱۰. حسن شعبانی، همان، ص ۱۵۹.
11. robert f.mager.
۱۲. حسن شعبانی، همان، ص ۱۵۹.
۱۳. علی علاقه بند، مقدمات مدیریت آموزش، انتشارات بعثت، چاپ ششم، ص ۳۷.
۱۴. حسن شعبانی، همان، ص ۱۶۳.
۱۵. علی شریعتمداری، اصول تعلیم و تربیت، انتشارات امیرکبیر، چاپ هفتم، ص ۱۰۰.
۱۶. جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۲۰۲. قال الصادق(ع): ما السموات و الارض عند الكرسي الاكحلقة خاتم في فلاة و ما الكرسي عند العرش الاكحلقة في فلاة.
۱۷. صحیفه نور، ج ۵، ص ۲۲.
۱۸. چهل حدیث، ص ۸۴.
۱۹. امام خمینی، شرح دعای سحر، ص ۱۵.

۲۰. صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۲۷۴.
۲۱. همان، ج ۶، ص ۲۳۷.
۲۲. حسین واعظی نژاد، طهارت روح، ص ۲۸۶.
۲۳. الذاریات (۵۱)، آیه ۵۶.
۲۴. یس (۳۶)، آیه ۶۱.
۲۵. یحیاء الانوار، ج ۱۸، ص ۲۰۲، چاپ تهران.
۲۶. تین (۹۵)، آیه ۴.
۲۷. برگرفته از: تعلیم و تربیت در اسلام، علی اصغر الهامی نیا - محمد مهدی محمدی، مرکز تحقیقات اسلامی سپاه.
۲۸. جائیه، آیه ۱۳.
۲۹. معارج، آیه ۱۹.
۳۰. صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۱۵۸.
۳۱. آل عمران، آیه ۱۳۷.
۳۲. همان، آیه ۱۲۸.
۳۳. رعد، آیه ۱۱.
۳۴. انبیاء، آیه ۱۰۵.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی